

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## افغانستان: کشور فراموش شده‌ای در لبه پرتگاه مأموریت محکوم بمرگ در کشور ما و چگونگی امپراتوری دعوتی افغانستان قبل از آشتی به حقیقت نیاز بیشتر دارد

واکنش‌های غیرمداخله‌گرایانه در مورد کشور ما  
عدم درک اشتباهات به تکرار آنها می‌انجامد  
آیا افغانستان عزیز قابل ترمیم می‌باشد؟  
گرفتاری شهروندان کشور بین بد و بدتر

حاکمیت و نظام سیاسی به نظامی اطلاق می‌گردد که بامور سیاسی و دولتی می‌پردازد. نظام یادشده با نظام حقوقی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و دیگر نظام‌های اجتماعی مورد مقایسه قرار می‌گیرد. البته این دیدگاه بسیار ساده‌ای از یک نظام بسیار پیچیده می‌باشد که به مقوله‌های از این قبیل می‌پردازد که چه کسی باید در مصدر قدرت باشد، مسایل و امور مذهبی چگونه باید مدیریت شوند و دولت باید چه تأثیری بر شهروندان و اقتصاد کشور داشته باشد. چندین تعریف از نظام سیاسی وجود دارد: - نظام سیاسی، مجموعه‌ای کاملی از نهادها، گروه‌های ذینفع (از قبیل احزاب سیاسی، اتحادیه‌های تجاری و گروه‌های رأی‌دهی) و ارتباطات میان آن نهادها و قواعد و نورم‌های سیاسی است که عملکردهای آنان را اداره می‌کند؛ - یک نظام سیاسی از مجموعه گروه‌های اجتماعی دارای قدرت تشکیل شده است؛ - یک نظام سیاسی، نظامی است که ضرورت‌ن‌دارای دوشخصه می‌باشد: - مجموعه‌ای از احزاب مستقل که دارای مرزهایی با یکدیگر بوده و هر یک در محیطی کایجاد شده است، مشغول فعالیت می‌باشند؛ - نظام سیاسی مفهومی است که لحاظ نظری بروشی از حکومت اطلاق می‌گردد که به سیاست‌گذاری و سازماندهی بیشتر آن در تشکیلات خود می‌پردازد؛ - یک نظام سیاسی که حفظ نظم و یکپارچگی را در جامعه تضمین نموده و در عین حال سبب می‌گردد که برخی نهادهای دیگر نیز نارضایتی‌ها و شکایت‌های خویش را در این دوره از حیات اجتماعی مطرح نمایند؛ - نظام سیاسی یا حاکمیتی از مجموعه ترکیبات تشکیل یافته که بر رویهم به تدوین و اجرای تصمیماتی رهنمون میشوند که در جامعه انطباق پذیرند.

بمناظره آغاز بحث مورد نظر، یاددهانی این مسأله در خوراهمیت پنداشته میشود که پس از فراخواندن نظامیان ایالات متحده و هم‌پیمانانش از سرزمین کشور ما و بقدرت رسیدن "طالب"، تاکنون هیچ کشوری در مورد برسمیت شناختن "طالب"‌ها لب از لب نگشوده و اما آنها از جانب برخی از کشورهای همجوار، بگونه غیر رسمی، بمنظور ایجاد تحول در کشور، کارت سفید دریافت نموده اند. کشورهای یادشده مانعی در این مسیر ما نمی‌مشاهده نموده، بلکه بسمت تدوین برنامه‌های مشترک اقتصادی با کشور ما جهت‌گیری نموده و همچنان بمنظور ارایه معاونت‌های بشردوستانه برای شهروندان کشور ما نیز سعی می‌ورزند. کشورهای آسیای مرکزی در مورد یادشده، با وجود انتظاراتی از جانب حاکمیت "طالب"‌ها در کشور ما، منتظر نتایج ملموس و مثبتی در زمینه بوده و اما در کنار آن‌همه، همچنان نگرانی‌های شان بویژه در موارد ذیل را نیز پنهان نمی‌نمایند: ایجاد و تشکیل دولت فراگیر، کاهش تهدیدهای تروریستی، برابری زنان، اقتصاد فارغ از مواد

مخدر. در امتداد صد روز نخست حاکمیت "طالب"ها در کشور، تحول و تغییر آنچنانی، اصلن بمشاهده نرسید. کارشناسان مسایل مربوط به کشور ما یادآور شده متذکر می گردند که با پیدایش تحرکات جدید، بویژه بتاریخ ۵ ماه اگست سال روان و دستیابی به تصرف شهر کابل توسط "طالب"ها، آنها با واقعیت های جدیدی مواجه گردیدند که در نفس خود، با وجود واقعیت های یادشده و چگونگی سیر حوادث نه به عادی شدن وضعیت کمک نموده و همچنان صاحبان جدید قدرت در کشور، در امر نزدیکی و همدلی شهروندان کشور نیز به اقدام مؤثری متوسل نگردیدند.

در مورد وسوسه های امنیتی روسیه و دول کشورهای آسیای مرکزی بایست خاطر نشان گردد که کشورهای یادشده با استفاده و بکارگیری از سایر امکانات موجود به تحکیم مرزهای شان میپردازند. در نتیجه، همگرایی های حربی سبب گردیده تا کشورهای یادشده بگونه دوامداری به مانورهای نظامی مشترک مبادرت ورزند. همکاری های نظامی میان روسیه و کشورهای متذکره روز تا روز تحکیم می یابد. جانب روسیه، تسلیحات مدرنی را در در اختیار کشورهای تا جیکستان و ازبکستان قرار داده است. اقدامات و فعالیت های دشوار چند بعدی که می توان آنرا در آینده های قابل پیشبینی، بمثابة تضمین مطمئن امنیت منطقوی محسوب نمود و بگمان اغلب که در مرکز و ولایتهای کشورهای مورد نظر نیز تداوم حاصل خواهد نمود. نباید فراموش گردد که خطرات تروریستی همین اکنون امنیت کشور عزیز ما را نیز بگونه جدی تهدید می نماید. به یقین که کشور های آسیای مرکزی هر کدام بنوبه خویش از تهاجم "جهاد گرایان"، بویژه از جانب مرزهای جنوبی شان نگران می باشند.

بر بنیاد گزارش های سازمان ملل، گسترش عملکردها و اقدامات تروریستی "دولت اسلامی" در اراضی متعلق بکشور ما (در آغاز ماه عقرب سال روان) بقرار ذیل تعریف گردیده است: در امتداد ماه اسد بتعداد ۱۳ حمله، ماه سنبله بتعداد ۳۸ و ماه میزان هم بتعداد ۴۸ حمله انتحاری انجام پذیرفته است. شرایط دشوار اقتصادی و چگونگی وضعیت معیشتی شهروندان بیش از پیش سبب سازپایه گیری "دولت اسلامی" در کشور گردید.

بخاطر باید داشت که در نتیجه زد و خوردهای طرفداران حقانی و ملأبرادر در آغازین روزهای ماه سنبله سال روان در کابل که در نتیجه آن بتعداد ۱۷ تن کشته و بیشتر از چهل تن هم زخم برداشتند، تشکیل و ایجاد حاکمیت "طالب"ها از قوه فعل مبدل نگردید. اما در مورد نوع دولتداری در کشور عزیز باید افزود که "طالب"ها به منظور ایجاد نظم و آرامش در نیمه دوم سال روان بانجام عملیاتی علیه داعش در شمال کابل مبادرت ورزیده که در نتیجه بتعداد سه تن از جنگجویان گروه یادشده بهلاکت رسیدند. اما با وجود اینهمه، حاکمیت "طالب"ها در قبایل مقاومت های مسلحانه رقیب هایش نیز باید صف آرای نماید. در امتداد هفته پسین، "دولت اسلامی" انفجارهای دوگانه ای را در شهر کابل طرح ریزی و اجرا نمود. از نیمه دوم ماه روان، این "جهادست"ها بود ند که سلسله ای از انفجارها را در مرکز کشور انجام داده که در نتیجه تعداد بیشماری از شهروندان کشور بخاک و خون غلتیدند. همچنان در بسیاری از ولایتهای کشور نیز شاهد انجام اقدامات تروریستی بودیم. "طالب"ها بدلیل نبود امکانات و عدم شایستگی های لازم، قادر به جلوگیری از وسعت عملیات "داعش" در کشور نمی باشند.

در اینجا پرسشی مطرح می گردد که پیروزی "طالب"ها در کشور به چه مفهومی پنداشته می شود؟ قبل از همه بایست متذکر گردید که گویا پس از ۲۰ سال، به جنگ و درگیری های مسلحانه ایالات متحده و هم پیمانانش تحت عنوان باصطلاح "مبارزه علیه تروریزم" در کشور ما، توسط اداره واشنگتن برهبری جو بایدن نقطه پایان گذاشته شده و در نهایت امر، پیروزی و موفقیت "طالب"ها مسلم گردید. بایست متذکر گردید که بنظر میرسد "طالب"ها بدون مقاومت و پاوارد شدن بکابل، تسلط کامل شان را پاراضی کشور اعلام نمودند. در اینجا پرسشی مطرح می گردد که چگونه آنهم در اندکترین مدت زمان، حاکمیت سیاسی در کشور سقوط نموده و در وضعیت کنونی، از حاکمیت "طالب"ها چه انتظاراتی متصور می باشد؟

این واقعیت که "طالب"ها در نهایت امر، از طریق جنگ و با استفاده و بکارگیری از وسایل و راهای نظامی و تحرکات مسلحانه موفق به تسلط قدرت سیاسی در کشور گردیدند و یا اینکه با راه اندازی اقدامات و کاربرد فعالیت های روانی، بدون مقاومت چشمگیری قابل توجه نظامیان دولت حاکم، موفق به تصرف و اشغال ولا یتهای و شهرها گردیدند، بمشکل بتوان در مورد قضاوت نمود. اگر بگونه نمونه، گلوله باریها و تبادل آتش را در بخشهای شمالی و جنوبی حاکمیت پیشین در نظر بگیریم، وضعیت اینچنینی در کشور باصطلاح معمول بدون

درد انجام گرفته و تکوین پذیرفت. نمایندگان جنگجویان وارد ارگ شده و با عده ای از نمایندگان حاکمیت پیشین، مذاکراتی را آغاز نمودند. نباید فراموش خاطر ما شود که انتقال قدرت به "طالب" ها، بگونه منحصر بفردی تحت نظارت امریکایی ها بانجام رسید. بر بنیاد اطلاعات بنشر رسیده، عده ای از محافظان کاخ عوض شده و در داخل محوطه ارگ نیز سه بال هلیکوپتر نیروی هوایی قوت های مسلح ایالات متحده بمنظور فرار غنی از کشور مهیا و آماده شده بود. دیپلماتها و سایر کارمندان سفارت ایالات متحده در کابل در امتداد ورود "طالب" ها بکابل، بخارج کشور انتقال داده شدند. اما در وضعیت کنونی، این سخنان بایدن را به طعنه بیاد می آورند که گفته بود هیچگاهی کسی و یا کسانی تحت چتر و حمایت ایالات متحده از افغانستان بخارج کشور انتقال داده نخواهد شد. اما پس از چند هفته، از سفارتخانه ایالات متحده در کابل، چنانچه در امتداد سال ۱۹۷۵ در سایگون آخرین شهروند امریکایی نیز از شهر یاد شده تخلیه گردید، عین اقدام یاد شده در کابل نیز اتفاق افتاد. در چنین فرصتی، میدان هوایی کابل بمثابة آخرین سنگرموجودیت و حضور ایالات متحده در کشور ما میدل گردیده که از طریق آن بتعداد ۵ هزار تن از نظامیان امریکایی و برخی از شهروندان ملکی کشور بخارج انتقال داده شدند. اطلاعات داده شده از موجودیت بسیاری از مقامات بلندرتبه دولت قبلی در میدان هوایی کابل نیز خبر دادند. قوت های "طالب" ها که قبلن میدان هوایی بگرام را بدون مقاومتی اشغال نموده و به تصرف خویش در آورده بودند، میدان هوایی کابل را نیز محاصره نموده و اما در مقابل امریکایی های موجود در میدان هوایی یاد شده، آتش نگشودند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که همین اکنون، ایالات متحده بانجام اشتباهاتی در کشور ما متوسل می گردد. از جمله، همراه با تخریب لانه های تروریست ها در کابل، در جریان عملیات مسلحانه، دوتن از کارکنان بنیاد های خیریه و بتعداد ۷ تن اطفال رانیز از هستی ساقط نمود. اما پنتاگون مانند همیشه چنین ادعا می نماید که گویا قوت های هوایی نظامی ایالات متحده بر بنیاد اطلاعات موثق استخباراتی وارد عملیات گردیده و نقاط مورد نظر را مورد هدف قرار می دهند. گزارش های مربوط به پیامدهای غم انگیز اعمال انجام شده در سا زمان ملل نیز مورد تأیید قرار داده شده است. آیا وضعیت اینچنینی، بر شهرت جو بایدن بمثابة رئیس جمهور ایالات متحده تأثیر می گذارد یا خیر؟

در امتداد هفته پسین، کمیشنری سازمان ملل در امور حقوق بشر، اطلاعاتی مبنی بر حملات هواپیماهای بدون سرنشین را دریافت نمودند که در نتیجه آن در حدود ۱۰ تن از افراد ملکی کشور بشمول اطفال کشته شدند. اقدام اینچنینی در کابل، به اجلاس نوبتی سازمان ملل در مورد حقوق بشر در ژنیو نیز ارائه گردید. گزارش های بنشر رسیده در نیویارک تایمز، با تفصیل و شرح بیشتر در مورد حملات هوایی قوت های نظامی امریکایی بتاريخ ۲۹ ماه اگست سالروان نیز خبر دادند. هدف یاد شده، وسیله نقلیه مملو از مواد انفجاری مورد استفاده "داعش" قلمداد شد. در واقعیت امر، قربانی این حمله هواپیمای بدون سرنشین، شخصی بنام خمري احمدی، یکتن از شهروندان ملکی کشور بود که در یکی از سازمان های خیریه امریکایی کار می نمود. منشی مطبوعاتی پنتاگون در مورد کشتار شهروندان ملکی کشور ما ادعا نمود که هدف مورد نظر بر بنیاد اطلاعات داده شده بخش های استخباراتی مورد تهاجم قرار داده شده است. نامبرده همچنان اظهار نمود که کشورش، بگونه بی پیشینه ای در مورد هدف قراردادن دقیق اهداف مورد نظر، عمل خواهد نمود.

در پنتاگون همچنان اعلام گردید که از پیشی گرفتن در ارانه و نشر ارقام اعلام شده به فرماندهی مرکزی، اباً ورزیده می شود. نماینده رسمی پنتاگون اظهار نمود که هیچکدام کشور دیگری به تناسب ایالات متحده در امر کاهش تلفات ملکی در افغانستان، سعی و تلاش انجام نداده است. اظهارات اینچنینی توسط مقامات پنتاگون نیز جای سؤال دارد. کمیساریای عالی سازمان ملل در مورد حقوق بشر، ضمن ایراد بیانیة مفصلی یاد آور شد که حملات هواپیماهای بدون سرنشین ایالات متحده، سه روز پس از آن صورت گرفت که در نتیجه اقدام تروریستی در میدان هوایی کابل بتعداد بیش از ۱۴۲ تن شهروندان ملکی، ۱۳ تن از نظامیان امریکایی و بتعداد ۲۸ تن از جنگجویان "طالب" ها بقتل رسیدند. مسؤلیت حادثه یاد شده را "داعش خراسان" بر عهده گرفت.

در ظاهر امر، اجرای عملیات بمنظور مبارزه علیه "داعش" بمثابة اقدام پیشگیرانه ای تصور می گردید تا بگونه ای از انجام اقدام بعدی تروریستی در میدان هوایی کابل جلوگیری بعمل آید. اما حمله ضد تروریستی، در نوع خود بمثابة اشتباه فاجعه آمیز امریکایی ها حین خروج از کابل پنداشته می شود.

وقوع حوادثی در کشور ما، خلاف ادعاهای در مورد بدتر نشدن وضعیت امنیتی، بویژه پس از فرار امریکایی ها را عملن با اثبات رسانید. بدین ترتیب، بگمان اغلب کارشناسان نظامی، در ایالات متحده در مورد حملات هوایی در کشور ما واکنش بعمل آمد. اما بایست خاطر نشان گردد که امریکایی ها قبل از این نیز، بگونه تکراری با انجام حملات هوایی از ارتفاعات بلند، اشتباهاتی را مرتکب گردیدند.

بایست یادآور شد که برخی ها همچنین متذکر میگردند که اکنون تیم رئیس جمهور بایدن نه تنها در برابر کشور عزیز ما، بلکه در مورد تمامی پروتوکول های عقد شده در پس زمینه پیروزی های ایالات متحده در خارج از آن کشور، بازنگری ادعاهایی را مورد بحث قرار داده است، اما پس از آن نیز شاهد گسترش جنایات ساز مان یافته در شهرها، ایجاد بحران و انفلاسیون بودیم.

بگمان بسیاری ها، آینده و دورنمای اداره کنونی واشنگتن برهبری بایدن، بیش از همه و قبل از سایر موارد، باین امر ارتباط مستقیم دارد کآیا اداره کنونی رئیس جمهور بایدن قادر خواهد بود تا نوعی از مفهوم پیشرفت را برای شهروندان امریکایی ارائه نماید. اما بزودی این واقعیت بهمه واضح و میرهن گردید که دستورکار تیم بایدن، یک شبه بهم ریخت. بنابراین، آنها همه در بلاتکلیفی قرار گرفتند. چنین پیشبینی می گردد که اگر در آینده های قریب، چشم انداز سیاسی جدیدی مطرح نگردد، عملکردهای اداره واشنگتن بگونه بسیاری به عدم موفقیت مواجه شده و شکست های پی اندر پی را تجربه خواهد نمود.

رویدادهای تکوین پذیرفته در کشور عزیز ما افغانستان، محبوبیت بایدن را کاهش داده، بنحوی که حتا برخی از ابتکارات اضافی نیز در مورد یاد شده اثربخش واقع نگردیده و چندان مؤثر و مفید نخواهد بود. در نتیجه همه پرسسی پسین در ایالات متحده، آشکار گردید که صرف ۲۵ درصد از شهروندان امریکایی از عملکرد بایدن در افغانستان پشتیبانی بعمل آوردند. شهرت بایدن در میان دموکرات ها بارتباط مسایل گفته آمده، تقلیل یافته است. اقدامات اضافی، بخودی خود می تواند حمایت و طرفداری از وی را در میان جناح لیبرال نیز بیش از پیش تضعیف نماید.

در عین حال، حوادثی که در امتداد ۲۰ سال موجودیت و حضور پررنگ نظامیان امریکایی در اراضی متعلق بکشور ما بوقوع پیوست، بگونه منحصر بفردی نبوده، بلکه وضعیت پیش آمده در کشور ما، همه را، چه در داخل و چه در خارج کشور، واقعن درمانده نمود.

برخی از نظامیان امریکایی، چنین حوادث اتفاقیه را کاملن معمولی می پندارند. اما در شرایط و وضعیت کنونی، شکست مأموریت افغانی ناتو و امریکاییان، بخودی خود شکست و عدم موفقیت اداره بایدن محسوب می گردد. چه بیش از همه، قتل شهروندان بیدفاع ملکی و درگام نخست بخاک و خون کشیدن اطفال کشور عزیز ما، به وجهه اداره واشنگتن و شخص بایدن لطمه وارد نمود.

در مورد چگونگی انکشاف اوضاع در کشور باید افزود که بروز جمعه ۲۶ ماه نوامبر سال روان، وزرای امور خارجه فدراتیف روسیه، هند و جمهوری مردم چین گردهم آمده و در مورد مسایلی از قبیل تشدید مبارزه علیه تروریسم و تجارت غیرقانونی مواد مخدر، بحث و گفتگو نمودند.

وزرای امور خارجه کشورهای یاد شده، تمایل شان را بمنظور گسترش تعامل در چهارچوب سازمان ها و انجمن های چند جانبه و درگام نخست در سازمان ملل، گروه بیست، سازمان همکاری های شانگهای و پریکس ابراز نمودند. دیپلومات های یاد شده همچنان شرایط و چگونگی وضعیت در افغانستان، میانمار و شرق نزدیک را نیز مورد غور و بررسی قرار دادند.

همه کارشناسان امور در مورد خطر گسترش تروریسم و اختناق بیشتر اوضاع در کشور ما هشدار داده و نا را حتی وعدم رضایت شان را از چگونگی سیر حوادث در کشور ما ابراز نمودند.

یکشنبه ۷ ماه قوس سال ۱۴۰۰ خورشیدی